

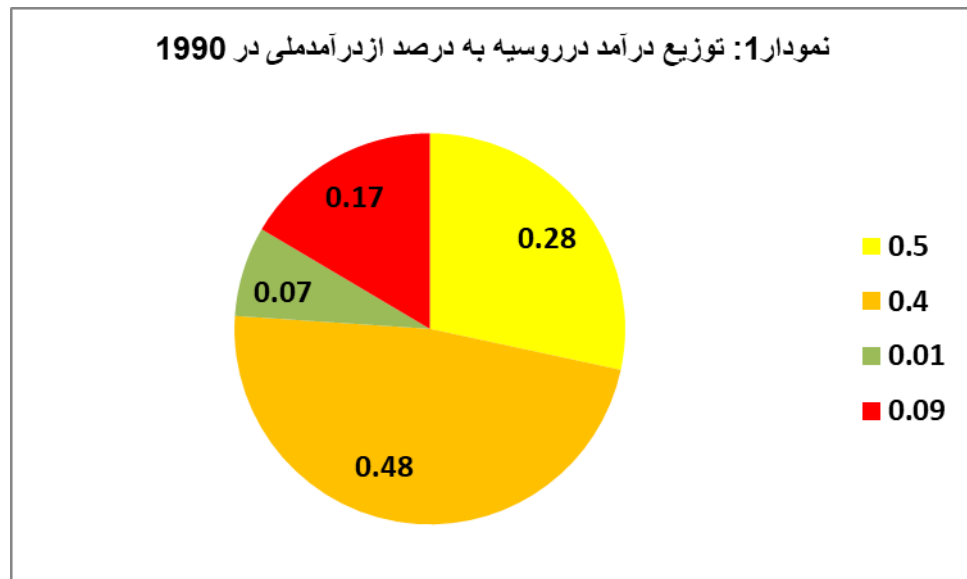
## پی آمدهای توزیعی نئولیبرالیسم

### احمدسیف

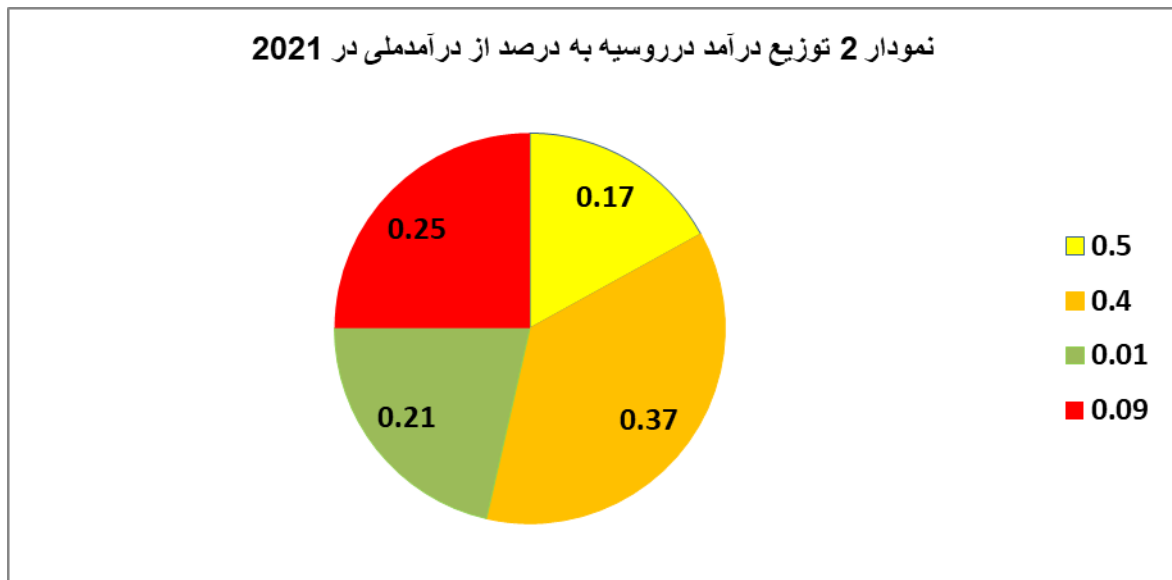
در هر پوشش جذابی که ارایه شود، نئولیبرالیسم شامل مجموعه سیاست هائی است که می کوشد تا ضوابط بازار را بر زندگی انسانی حاکم گرداند. به عبارت دیگر، منظورم از ضوابط بازار، به واقع کالاکردن همه آن چه هائی است که برای برآوردن نیازهای انسان لازم و ضروری است. با تکیه بیش از حد، بر منافع احتمالی ناشی از عملکرد بازار، مدافعان این سیاست ها، به این نکته بدیهی توجه کافی مبذول نمی دارند که نتیجه اجرای این سیاست ها، تحکیم استبداد مطلق پول بر همه ابعاد زندگی انسانی است. یعنی روشن نیست و روشن نمی شود کسانی که پول ندارند و یا پول به قدر کفایت ندارند، برای برآوردن نیازهای خود در چنین نظامی چه باید بکنند؟ چون واقعیت این است که آن چه در این نظام وجود دارد و تبلیغ می شود به قول معروف، این باور است که هر قدر پول بدهی، آش می خوری و یا به عبارت دیگر، در تحت نظام سرمایه داری، نهار مجانی به کسی نمی دهند. وارسیدن همه این ادعاها، مقوله ای نیست که در یک یادداشت کوتاه عملی باشد و من هم چنین قصدی ندارم. آن چه در این جا مد نظر من است این که با نگاهی مختصر به وضعیتی که در شوروی سابق پیش آمد، و پس از فروپاشی الگوی اقتصادی پیشین، تمام و کمال به اجرای الگوی اقتصادی نئولیبرالی برآمدند، گوشه هائی از پی آمدهای اقتصادی این نگاه به اقتصاد را بررسی کنم. واقعیت این است آن چه اکنون داریم در واقع، پی آمد اجرای این سیاست ها در این کشور است.

هرچه که مختصات کلی و کمبود های نظام اقتصادی حاکم بر شوروی بوده باشد، از سال ۱۹۸۵ به بعد نشانه های بحران سیاسی و اقتصادی در این کشور ظاهر شد. گورباچف رهبر کمیته مرکزی حزب کمونیست کوشید تحت عنوان گلسنوست و پروسترویکا اصلاحاتی در اقتصاد و سیاست شوروی ایجاد کند که اگرچه در فروپاشی نظام سابق با موفقیت توأم بود ولی اهداف مورد نظر به دست نیامد. در مارچ ۱۹۹۱ در یک فراندیم اکثریت رای دهندگان به پایان نظام شوروی رای دادند و در ژوئن ۱۹۹۱ بوریس یلتسین در اولین انتخاباتی که در روسیه برگزار شد به ریاست جمهوری رسید. در اگوست ۱۹۹۱ کودتائی ناموفق علیه دولت تازه اتفاق افتاد که در عمل موجب شد تا حزب کمونیست و نظام شوروی به پایان برسد. در اکتبر ۱۹۹۱، فروپاشی نظام سابق تقریباً تکمیل شد. سیاست های اقتصادی که در پیش گرفته شد، دروجه عمده سیاست های اقتصادی نئولیبرالی بود که به صورت واگذاری های گسترده و مقررات زدائی و کاستن از نقش اقتصادی دولت درآمد. برخلاف وعده هائی که داده می شود اجرای این سیاست ها در تشویق رشد اقتصادی در روسیه هم چندان موفق نبود چون تا

جائی که به رشد اقتصادی مربوط می شود اقتصاد روسیه در طول این ۳۰ سال کمتر از ۲۰ درصد بزرگتر شد و از ۱۱۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۰ به ۱۳۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ رسید. ولی مشکل اصلی تر اقتصاد نئولیبرالی پی آمدهای آن بر توزیع درآمد است. ابتدا به ساکن در دو نمودار، توزیع درآمد در روسیه در اول و آخر این دوره را ارایه می دهیم.

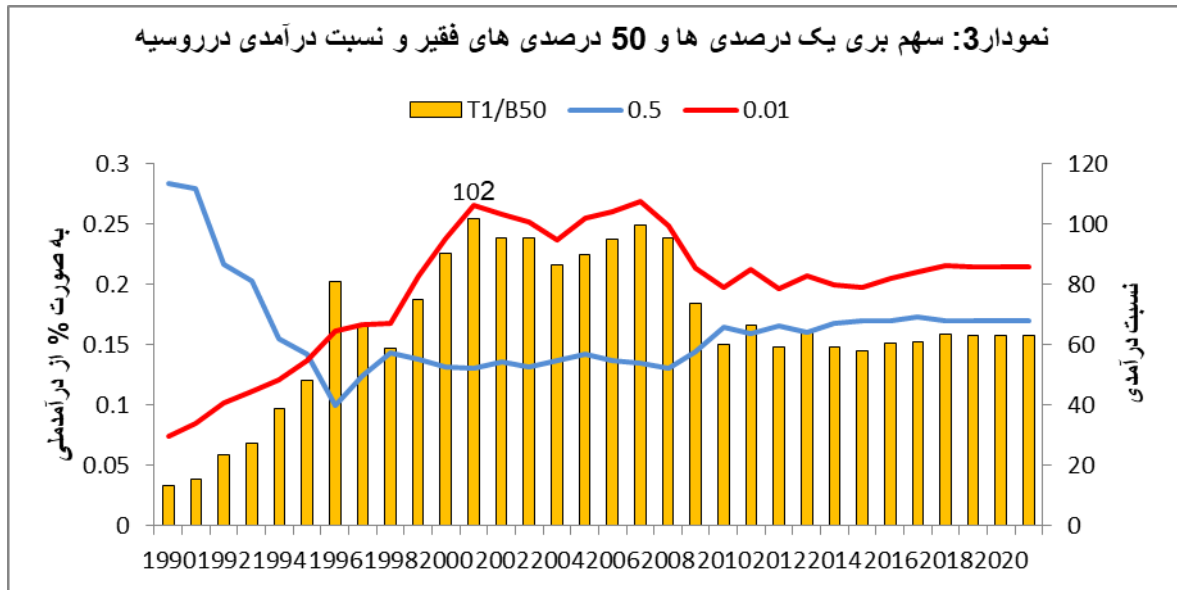


سهم ۵۰ درصدی ها فقیر در این سال تنها ۲۸ درصد از درآمد ملی است و طبیعتا ۵۰ درصدی های ثروتمند هم بقیه درآمد ملی، یعنی ۷۲ درصد بقیه را تصاحب می کنند و می توان به تقریب گفت که متوسط درآمد ۵۰ درصدی های ثروتمند حدودا ۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر بود. از سوی دیگر، ده درصدی ها ۲۴ درصد از درآمد ملی را تصاحب کردند و سهم ۹۰ درصد بقیه هم ۷۶ درصد از درآمد ملی بود. ولی وقتی به سال ۲۰۲۱ می رسیم وضع توزیع درآمد اندکی تغییر می کند.



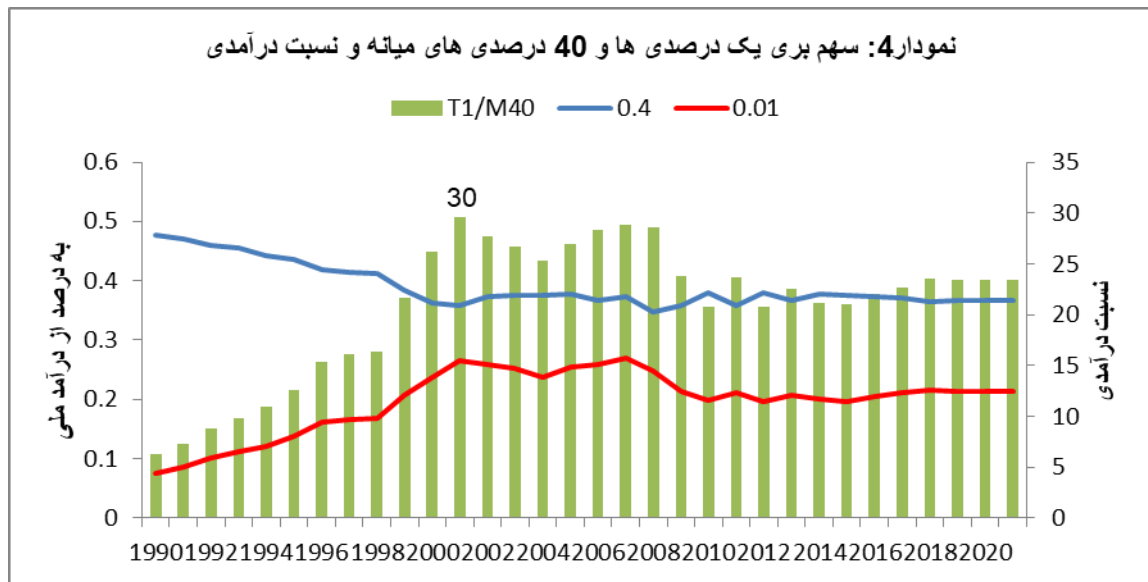
ابتدا اندکی در باره تغییراتی که در این فاصله در توزیع درآمد در روسیه پیش آمد توضیح بدهم. سهم یک درصدی ها که در ۱۹۹۰ تنها ۷ درصد از درآمد ملی بود در ۲۰۲۱ با ۳ برابر افزایش به ۲۱ درصد رسید. سهم ۵۰ درصدی ها فقیر که ۲۸ درصد درآمد ملی بود با ۱۱ درصد کاهش ۱۷ درصد شد و به همین نحو سهم ۴۰ درصدی ها هم ۱۱ درصد کاهش یافت. بطور کلی در این فاصله، سهم ده درصدی ها از ۲۴ درصد در آمد ملی حدودا دو برابر شد و به ۴۶ درصد از درآمد ملی رسید. از سوی دیگر روشن است که آن چه که برای ۹۰ درصد جمعیت باقی ماند از ۷۶ درصد درآمد ملی به ۵۴ درصد نزول پیدا کرد. اگر بخواهم به زبان دلار سخن بگویم در ۱۹۹۰ از کل درآمد ملی روسیه ۲۷۸ میلیارد دلار سهم ده درصدی ها و بقیه، یعنی ۸۸۲ میلیارد دلار هم در میان ۹۰ درصد بقیه جمعیت توزیع شد. در سال ۲۰۲۱ اندازه اقتصاد روسیه اندکی بیشتر از ۲۲۳ میلیارد دلار بزرگتر شد ولی سهم ده درصدی ها از درآمد ملی در ۲۰۲۱ به ۶۴۲ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با سهم شان در ۱۹۹۰ حدودا ۳۶۵ میلیارد دلار بیشتر شده است. آن چه برای ۹۰ درصدی ها باقی ماند، ۷۴۱ میلیارد دلار دلار بود که در مقایسه با سهم شان در ۱۹۹۰ بیش از ۱۴۱ میلیارد دلار کمتر شده است. اگر دقت کرده باشید، کل درآمد اضافی ناشی از رشد اقتصادی در بین این دو تاریخ تنها ۲۲۳ میلیارد دلار بود ولی سهم ده درصدی ها بیش از ۳۶۵ میلیارد دلار بیشتر شد و مابه التفاوت این دو هم در واقع درآمدی است که از ۹۰ درصد جمعیت زهکشی شده و نصیب ده درصدی ها شده است. اگر شاهد تغییر در توزیع درصدی درآمدها نمی بودیم، سهم ۹۰ درصد جمعیت باید از درآمد ملی در سال ۲۰۲۱ بیش از یک تریلیون و ۵۰ میلیارد دلار می شد ولی در واقعیت، به خاطر تغییر در توزیع درصدی درآمدها، به ۷۴۱ میلیارد دلار کاهش یافته است. به یک تعبیر شاید بتوان گفت که لطمه ای که به درآمد ۹۰ درصد جمعیت وارد می آید در واقع بسی بیشتر از ۱۴۱ میلیارد دلار زهکشی شده است و در واقع اندکی بیشتر از ۳۱۱ میلیارد دلار بود.

بد نیست اندکی مشخص‌تر در باره تغییرات پیش‌آمده در توزیع درآمد در روسیه توضیح بدهم. سهم بری یک درصدی‌ها و ۵۰ درصدی‌های فقیر و نسبت بین متوسط درآمد این دو گروه را در نمودار ۳ بررسی می‌کنیم.



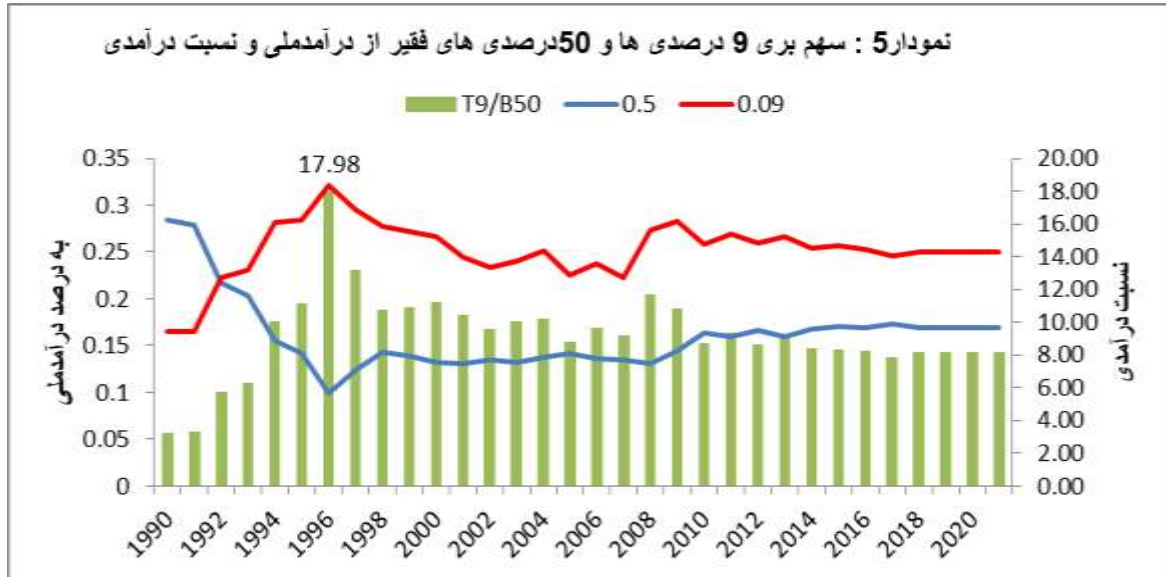
قبل از هرچیز توجه را به چند نکته جلب می‌کنم. منظورم از «نسبت درآمدی» این است که متوسط درآمد یک درصدی‌ها چه نسبتی با متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر دارد. این نسبت را روی محور دست راست اندازه گرفته ایم و بالاترین رقمی که در اینجا داریم این است که در سال ۲۰۰۱ متوسط درآمد یک درصدی‌ها ۱۰۲ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در روسیه بود. در طول این ۳۰ سال کمترین نسبت درآمدی در سال ۱۹۹۰ وجود داشت که متوسط درآمد یک درصدی‌ها تنها ۱۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر بود. همان‌طور که در نمودار مشاهده می‌کنیم از زمان آغاز رفرفرم‌های نئولیبرالی در روسیه، این نسبت روند افزایشی دارد و همان‌طور که اشاره کردم از ۱۳ برابر در ۱۹۹۰ به ۱۰۲ برابر در سال ۲۰۰۱ می‌رسد. پس آن‌گاه تا سال ۲۰۲۱ این نسبت روند کاهنده دارد و در سال ۲۰۲۱ هنوز ۶۳ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی‌های فقیر در روسیه است که اگرچه در مقایسه با سال ۲۰۰۱ اندکی بهبود مشاهده می‌کنیم ولی در مقایسه با سال ۱۹۹۰ این نسبت یا این شکاف درآمدی حدوداً ۵ برابر شده است. نکته دوم این است که همان‌گونه که در نمودار مشاهده می‌کنیم در ۱۹۹۰ سهم بری یک درصدی‌ها از درآمد ملی از سهم بری ۵۰ درصدی‌های فقیر کمتر بود یعنی در شرایطی که ۲۸ درصد از درآمد ملی سهم ۵۰ درصدی‌های فقیر روسیه می‌شد سهم یک درصدی‌ها در آن سال تنها ۷ درصد بود. آن‌چه پس از این اتفاق می‌افتد این است که سهم ۵۰ درصدی‌های فقیر روند کاهنده دارد ولی سهم بری یک درصدی‌ها روندی قابل توجهی را تجربه می‌کند و در سال‌های ۱۹۹۰ تا حدوداً زمان بحران بزرگ جهانی یک شکاف بزرگی بین سهم بری این دو گروه ایجاد می‌شود که برخلاف وضع پیشین در این جا سهم یک درصدی‌ها

از سهم ۵۰ درصدی های فقیر به مراتب بیشتر است و ناگفته روشن است که چنین تحولی در توزیع درصدی درآمد ملی بر نسبت درآمدی اثر می گذارد چون واقعیت این است که آن برشی از کیک ملی- درآمدی- که هرساله نصیب یک درصدی ها می شود بزرگتر می شود ولی برشی که باید بین ۵۰ برابر بیشتر از شهروندان روسی تقسیم شود سال به سال کوچکتر می شود. بد نیست در نمودار بعدی وضعیت ۴۰ درصدی های میانه را بررسی کنیم. جهت گیری کلی به آن چه تاکنون گفته ایم بسیار شباهت دارد. البته تفاوت هائی هم وجود دارد که به آنها خواهیم پرداخت.



برخلاف وضعیتی که در نمودار قبلی مشاهده کردیم در این جا در اول و آخر دوره سهم ۴۰ درصدی ها از درآمد ملی از آن چه نصیب یک درصدی ها می شود بیشتر است ولی نکته قابل توجه این که برای چندین سال سهم بری ۴۰ درصدی ها روند کاهنده دارد و از حدودا ۴۸ درصد از درآمد ملی در ۱۹۹۰ به ۳۶ درصد در سال ۲۰۰۱ کاهش می یابد و بعد برای بقیه دوره هم افتان و خیزان در همین سطح باقی می ماند ولی همان گونه که پیشتر هم گفته شد سهم یک درصدی ها تا سال ۲۰۰۷ روند افزایشی چشمگیری دارد و تنها یک سال قبل از بحران بزرگ باعث می شود تا ۲۷ درصد از درآمد ملی روسیه نصیب یک درصدی ها بشود ولی بعد اندکی تعدیل شده و در اندکی بیشتر از ۲۱ درصد در ۲۰۲۱ باقی می ماند. همان گونه که مشاهده می شود شاهدیم که نسبت درآمدی هم روند افزایشی دارد و اگرچه در ابتدای دوره متوسط درآمد یک درصدی ها تنها ۶ برابر متوسط درآمد ۴۰ درصدی ها بود این نسبت برای سال ۲۰۰۷ حتی به ۲۹ برابر می رسد ولی در پی آمد بحران و تغییرات رخ داده در نهایت در ۲۰۲۱ به ۲۳ برابر کاهش می یابد.

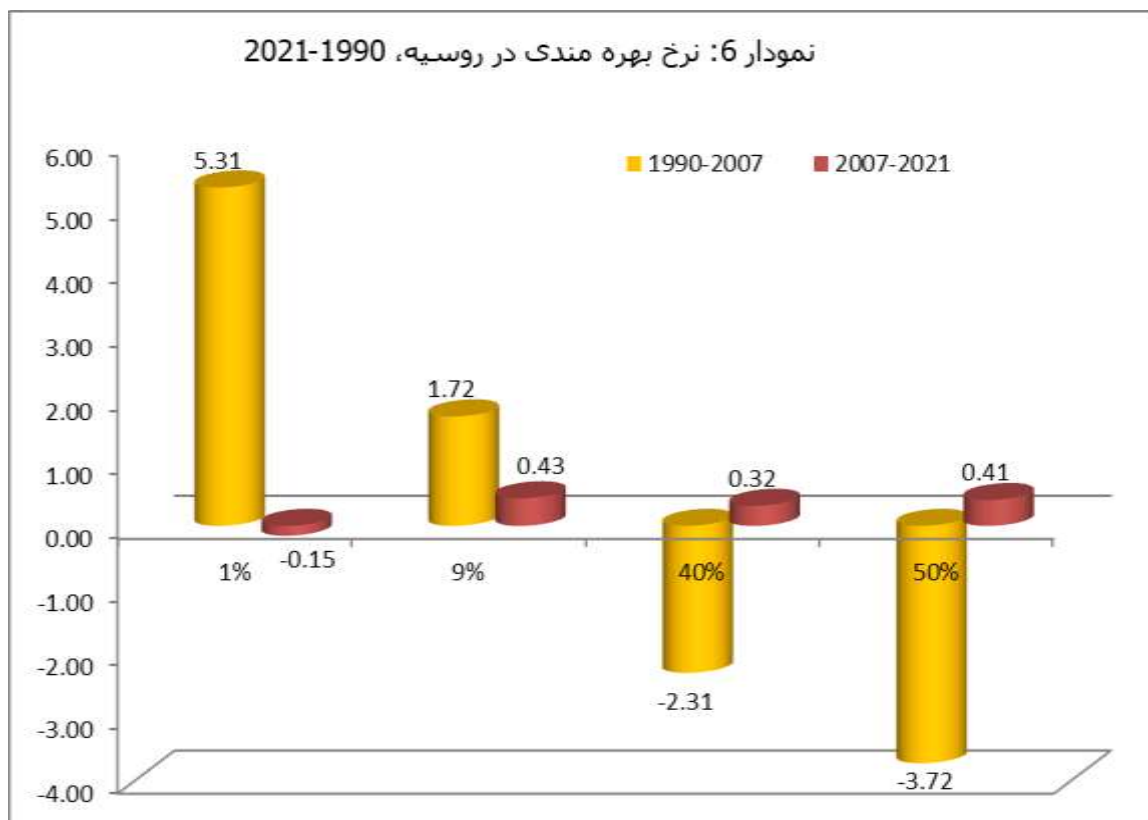
اگرچه در نظام سرمایه داری کنونی، یک درصدی ها وضعیت استثنائی و منحصر به فردی دارند ولی تنها گروهی نیستند که از این الگوی اقتصادی بهره مند می شوند. ۹ درصد بالائی جمعیت یعنی کسانی که در فاصله ۹۱-۹۹% جمعیت یک کشور قرار دارند هم در وضعیتی هستند که این الگوی اقتصادی به نفع مستقیم آنها عمل می کند. ابتدا شواهد ارایه کنم و بعد چند سطری در توضیح این تغییرات خواهم نوشت.



گروه دیگری از ثروتمندان که باید مورد بررسی قرار بگیرند ۹ درصدی ها هستند یعنی کسانی که در سطح ۹۱-۹۹% جمعیت جا دارند. وضعیت این جماعت هم به وضعیت یک درصدی ها بسیار شبیه است با این تفاوت که میزان افزایش بهره مندی شان از درآمد ملی اندکی کمتر است. در اول دوره یعنی در ۱۹۹۰ سهم بری ۵۰ درصدی های فقیر از سهم بری ۹ درصدی ها بیشتر است ولی در مدت زمان کوتاهی پس از آغاز اصلاحات نئولیبرالی- یعنی در ۱۹۹۲ سهم بری ۹ درصدی ها از سهم بری ۵۰ درصدی ها فقیر بیشتر می شود و این شکاف پیش آمده با گذر زمان بیشتر می شود که در نمودار مشاهده می کنیم. اگرچه در ۱۹۹۰ سهم بری ۵۰ درصدی ها فقیر از درآمد ملی در مقایسه با سهم بری ۹ درصدی ها حدوداً ۱۲ درصد بیشتر بود ولی در ۲۰۲۱ این وضعیت دقیقاً معکوس می شود و سهم بری ۹ درصدی ها در مقایسه با سهم بری ۵۰ درصدی ها فقیر ۱۲ درصد بیشتر می شود. بیشترین شکاف در سال ۱۹۹۶ وجود دارد که سهم ۹ درصدی ها از درآمد ملی بیش از ۲۳ درصد از سهم ۵۰ درصدی های فقیر بیشتر است. در همین سال نسبت درآمدی هم به حداکثر می رسد و متوسط درآمد ۹ درصدی ها ۱۸ برابر متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر می شود. گفتن دارد که در سال ۱۹۹۰ این نسبت تنها ۳ برابر بود. البته اضافه کنم روند افزایشی این نسبت درآمدی در ۱۹۹۶ متوقف می شود ولی روند کاهنده ای که شروع می شود اگرچه باعث کمتر شدن این نسبت درآمدی می شود ولی هیچ گاه به حدی که در ۱۹۹۰ وجود داشت رجعت نمی کند. یعنی در

سال ۲۰۲۱ اگرچه این نسبت به شدت کاهش یافته است ولی هم چنان بیش از ۸ برابر است.

در این صفحات پایانی هم بد نیست برای توضیح بعضی از این تغییراتی که به اختصار واریسی کرده ایم شواهدی ارایه نمائیم. وارسیدن این نکته ها مرا می رساند به مقوله « نرخ بهره مندی» یا The Capture Rate اگر به شیوه ای که خودم می فهمم برای شما هم توضیح بدهم منظورم این که وقتی که اندازه کیک ملی- تولید ناخالص داخلی- بزرگتر می شود این درآمدهای بیشتر تولید شده چگونه بین گروه های مختلف توزیع می شود. به عبارت دیگر، چه میزان سهم یک درصدی ها می شود و یا چه میزان برای ۵۰ درصدی های فقیر باقی می ماند. با استفاده از آمارهای بانک جهانی من سعی کردم نرخ بهره مندی را محاسبه کنم. در نمودار ۶ با وضعیت جالبی روبرو می شویم.

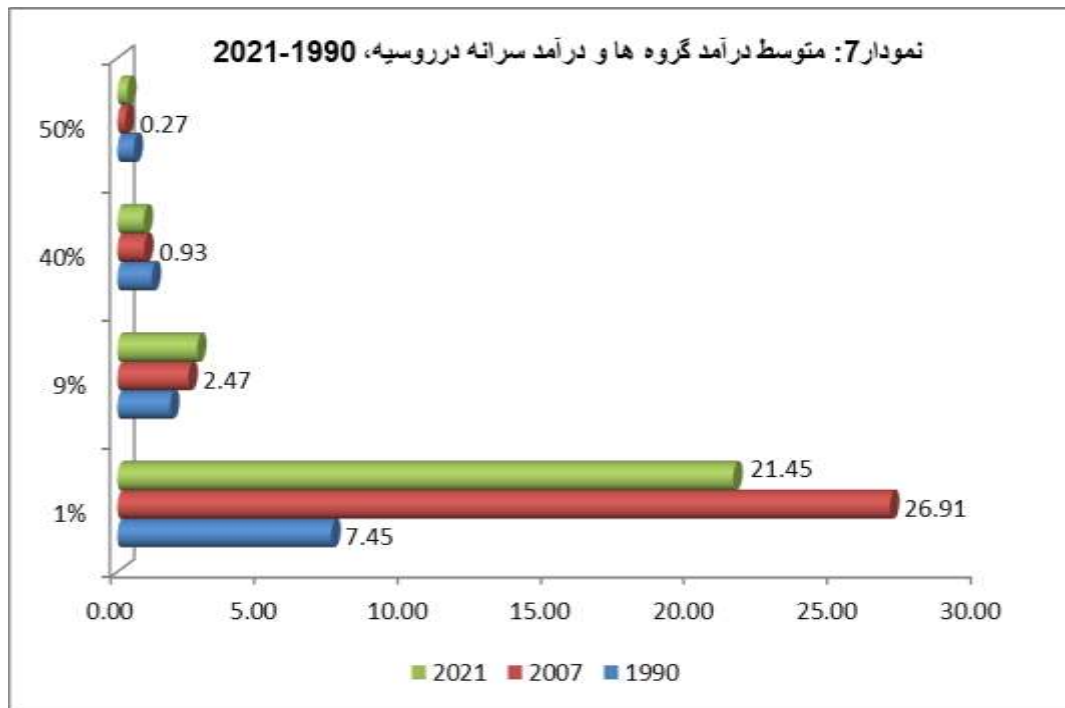


برای این که شیوه کار خودم را توضیح بدهم بد نیست یادآور شوم که درآمد ملی روسیه در سه تاریخ متفاوت، به این قرار بود ۱۱۶۰ میلیارد دلار در ۱۹۹۰ و ۱۲۰۵ میلیارد دلار در ۲۰۰۷ و سرانجام هم ۱۳۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱. به سخن دیگر در سال ۲۰۰۷، حدوداً ۴۵ میلیارد دلار ارزش بیشتر تولید شده و به همین نحو ارزش بیشتر تولید شده در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سال ۲۰۰۷ هم ۱۷۹ میلیارد دلار است. پرسش این است که این دلارهای اضافی چگونه بین شهروندان روسی تقسیم شد؟ با استفاده از توزیع درصدی درآمدها، سهم گروه

های مختلف را در نمودار ۶ مشخص کرده ام. این آمارها به راستی بطور هراس آوری نشان دهنده زهکشی درآمد از یک گروه به نفع گروه دیگر در این کشور می باشد. در طول ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ هر چه که درآمد اضافی ناشی از رشد اقتصادی بود، یعنی ۴۵ میلیارد دلار، ولی بیش از ۵ برابر آن نصیب یک درصدی ها شد. اگر به دلار گزارش بدهم درآمد ملی روسیه در ۲۰۰۷ حدودا ۴۵ میلیارد دلار از درآمد ملی در سال ۱۹۹۰ بیشتر بود ولی در همین سال، آن چه از درآمد ملی نصیب یک درصدی ها شد ۲۳۸ میلیون دلار از سهم شان در سال ۱۹۹۰ بیشتر بود. همان گونه که در جای دیگر گفته ایم، نه تنها از این ۴۵ میلیارد دلار بیشتر ناشی از رشد اقتصادی، حتی یک دلار هم نصیب گروه های دیگر نشد، بلکه در واقع شاهدیم که سهم بری شان از آن چه که در روسیه تولید شد، ۱۹۳ میلیارد دلار کمتر شده است. یعنی این میزان از دیگر گروه ها به یک درصدی های روسیه انتقال یافته است. جریان انتقال ارزش از یک گروه به گروه دیگر به همین جا ختم نمی شود. به همین نحو، سهمی که ۹ درصدی ها از این درآمد اضافی داشتند حدودا ۲ برابر میزانی بود که می توانست پی آمد رشد اقتصادی باشد. نشان دادیم که از ۴۵ میلیارد دلار درآمد اضافی ناشی از رشد اقتصادی چیزی برای گروه دیگر باقی نمانده ولی مشاهده می کنیم که درآمد ۹ درصدی ها هم ۷۷ میلیارد دلار بیشتر شده است. بلافاصله اضافه کنم که این درآمد اضافی یک درصدی ها و ۹ درصدی ها در واقع نه نشانه بهبود اوضاع اقتصادی در روسیه بلکه نشانه انتقال درآمد از یک گروه از شهروندان به گروه دیگری از شهروندان بوده است. در آن سوی این ترازوی نامانوس توزیعی آن چه در سال ۲۰۰۷ نصیب ۴۰ درصدی ها شد از درآمدشان در سال ۱۹۹۰ بیش از ۱۰۳ میلیون دلار کمتر بود و به همین نحو، سهم بری ۵۰ درصدی های فقیر هم حدودا ۱۶۷ میلیون دلار کمتر شد. به عبارت دیگر، درآمد ده درصدی ها، در این فاصله ۲۷۰ میلیارد دلار بیشتر شده است ولی واقعیت این اضافه شدن این نیست که اقتصاد روسیه در این فاصله به همین اندازه مولد تر شده است بلکه در واقع، این میزان بیانگر ارزشی است که از ۹۰ درصد جمعیت روسیه به نفع ده درصدی ها به جیب آنها منتقل شده است. ناگفته روشن است که با وجود رشد جمعیت در این فاصله، مسلما تعداد کسانی که در این دو گروه جا می گیرند بیشتر شده است ولی با این تغییرات، تردیدی نیست که باید شاهد کاهش چشمگیر در متوسط درآمد ۹۰ درصد جمعیت باشیم.

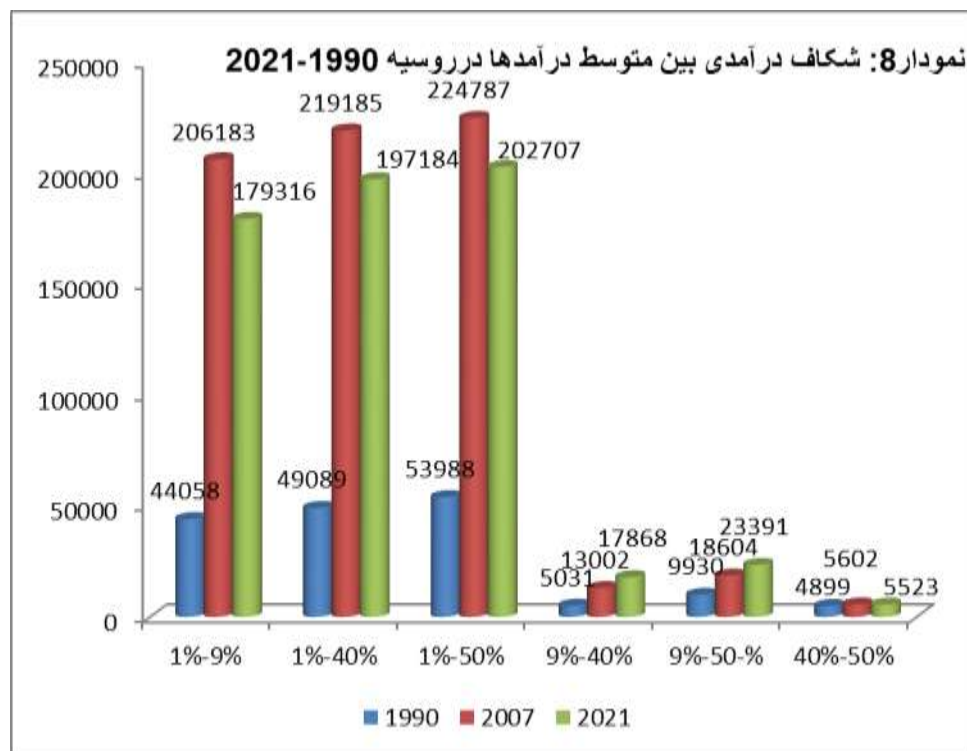
در مرحله بعدی، با استفاده از آمارهای بانک جهانی، علاوه بر محاسبه متوسط درآمد گروه های مختلف درصدی، درآمد سرانه روسیه را هم محاسبه کرده ام. مقایسه این متوسط درآمدها و درآمد سرانه تصویر جالبی به دست می دهد که در واقع تاحدودی ابعاد نابرابری روزافزون درآمدی را روشن می کند. این یافته ها را در نمودار ۷ گزارش کرده ام.





از یک طرف درآمد سرانه را برای سه تاریخ متفاوت محاسبه کردم و بعد برای هر کدام از این تاریخ ها، متوسط درآمد گروه های درصدی ها هم اندازه گیری شد. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۰ متوسط درآمد یک درصدی ها بیش از ۷ برابر درآمد ملی سرانه در آن سال بود و بعد این نسبت در سال ۲۰۰۷ به ۲۷ برابر رسید و سرانجام در ۲۰۲۱ در بیش از ۲۱ برابر تعدیل شد. دومین گروهی که متوسط درآمدشان از درآمد سرانه روسیه بیشتر بود، گروه ۹ درصدی ها هستند. این نسبت در سال ۱۹۹۰ حدوداً ۲ برابر درآمد سرانه ملی بود و بعد در ۲۰۰۷ و در ۲۰۲۱ بین ۲ تا ۳ برابر متغیر بود. نکته جالب، مقایسه متوسط درآمد ۹۰ درصد جمعیت روسیه با درآمد سرانه است. متوسط درآمد ۴۰ درصدی ها در سال ۱۹۹۰ حدوداً با درآمد سرانه کشور هم طراز بود ولی در سال ۲۰۰۷ و سال ۲۰۲۱ متوسط درآمد این گروه از درآمد سرانه کمتر بود. وضع اسفناکی در پیوند با ۵۰ درصدی های فقیر وجود داشت که در همه این سالها بین متوسط درآمدشان و درآمد سرانه کشور شکاف قابل تاملی وجود داشت. در سال ۱۹۹۰ متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر حدوداً نصف درآمد سرانه کشور بود ولی این نسبت در ۲۰۰۷ به حدود یک چهارم تنزل یافت و سرانجام در ۲۰۲۱ درحد یک سوم درآمد سرانه تعدیل شد. آن چه که از این یافته ها استنباط می شود این که میزان فقر و نداری در جوامع انسانی از آن چه در آمارهای رسمی منعکس می شود به مراتب بیشتر است. با ذکر مثالی اندکی توضیح می دهم. در محاسباتی که انجام داده ام درآمد سرانه در سال ۲۰۰۷ معادل ۸۴۳۸ دلار بود ولی در همین سال، براساس این داده های آماری خبر داریم که متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر ۲۲۷۸ دلار بیشتر نبود. اگر به شیوه دیگری بخواهم همین نکته را بیان کنم بر مبنای درآمد سرانه کشور، متوسط درآمد روزانه حدوداً ۲۳ دلار می شود ولی براساس محاسباتی

که درصنحات بالا انجام گرفته، متوسط درآمد روزانه تنها ۶ دلار است. تردیدی نیست که این تغییرات انجام گرفته موجب می شود که شکاف درآمدی هم در گذر سالها افزایش یابد. آن چه در نمودار ۸ نشان می دهیم این که شکاف درآمدی در میان همه گروه ها بیشتر شده است. اگر چه در روسیه همانند دیگر کشورها، اقتصادی که به نفع یک درصدی ها تنظیم و اجرا شده است باید در اولین فرصت ممکن متوقف شود ولی مشکل از آن بسیار پدیده تر است. در این نمودار مشاهده می کنیم که شکاف درآمدی بین ۴۰ درصدی ها و ۵۰ درصدی های فقیر هم افزایش یافته است.



بیشترین شکاف درآمد بین متوسط درآمد یک درصدی ها و بقیه وجود دارد. در سال ۱۹۹۰ متوسط درآمد یک درصدی ها تنها ۴۴ هزار دلار از متوسط درآمد ۹ درصدی ها بیشتر بود ولی این شکاف در سال ۲۰۰۷ به بیش از ۲۰۶ هزار دلار و بعد در ۲۰۲۱ به اندکی بیشتر از ۱۷۹ هزار دلار رسید. بین متوسط درآمد یک درصدی ها و ۴۰ درصدی های میانه هم همین وضعیت وجود داشت و شکاف درآمدی ۴۹ هزار دلار در ۱۹۹۰ به بیش از ۲۱۹ هزار دلار در ۲۰۰۷ و سرانجام ۱۹۷ هزار دلاری در سال ۲۰۲۱ رسید. شکاف درآمدی بین متوسط درآمد یک درصدی ها و متوسط درآمد ۵۰ درصدی های فقیر هم در این فاصله حدوداً ۴ برابر شد و از ۵۴ هزار دلار در ۱۹۹۰ به ۲۲۵ هزار دلار در ۲۰۰۷ و ۲۰۳ هزار دلار در ۲۰۲۱ رسید. جالب این که شکاف درآمدی بین متوسط درآمد ۹ درصدی ها و دیگر گروه های فرودست هم به همین ترتیب چند برابر شد. پیشتر به این نکته اشاره کردم که پی آمد درپیش گرفتن این سیاست ها برای تشویق رشد اقتصادی چندان مطلوب نبوده است چون اقتصاد روسیه در طول بیش از ۳۰ سال

کمتراز ۲۰ درصد رشد داشت و در صفحات پیشین پی‌آمدی توزیعی این سیاست‌ها را واریسی کردیم. آن‌چه باقی می‌ماند این‌که منطق و علت درپیش گرفتن این سیاست‌های منحنی و به شدت نامطلوب به واقع کدام است به غیر از این‌که یک درصدی‌ها که سیاست کشور را در کنترل گرفته‌اند با استفاده از ابزارهای کنترل خود این سیاست‌های اقتصادی منحنی را هم به اجرا در می‌آورند که عمدتاً برای همین یک درصدی‌ها تدوین شده و از سوی آنها به اجرا در می‌آید.

توضیح: آمارهائی که مورد استفاده قرار گرفته، از بانک‌های مختلف آماری دانلود شد. منبع آمارهای توزیع درصدی درآمد در روسیه، World Inequality Lab است. برای آمارهای تولید ناخالص داخلی و جمعیت هم از آمارهای بانک جهانی بهره گرفته‌ام.